

## سخن سردبیر

و سوگند به نوشته‌های آغازین، که حقی بزرگ بر گردن نویسنده است؛ چرا که نوشته‌های او سرآمد کلمات دیگران قرار می‌گیرد و این، بار سنگینی است. می‌خواهم اینطور شروع کنم. خداوند فرمود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»

و پیامبر نیکی و مهربانی‌ها متولد شد. سپس فرمود: «لَسْتَ جَبِيحًا لِّلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكَ لِمَا يُحْيِيكَم»؛ حیات بود آنچه او آورد برای آن مردم و دنیای ظلمانی...

سپس ایشان را با خلق عظیم و رحمت و عطف خواند و به عنوان آخرین بشارت حقی بر گردنشان نهاد و گفت اگر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم نسانی، رسالت او را انجام ندهای.

زمین و زمان چرخید تا هزار و چهارصد سال بعد، مردمی از سرزمین ایران به رهبری خمینی کبیر، حکومتی اسلامی تشکیل دادند و شیرمردانی برای دفاع از کشور و حکومت راهی جبهه‌های جنگ شدند و پس از پیام تاریخی آن مرد بزرگ که «باید حصر آبادان شکسته شود»، تمام موانع و سختی‌ها را کنار زدند و اکنون با افتخار از جنگی می‌گوییم که یک وجب خاک هم از کشور جدا نکرد.

همه این‌ها را نوشتیم که بگوییم امروز جانشین آن مرد بزرگ انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای فرمودند: «ما بخش زیادی از مسیر سربالایی با شیب تند را پشت سر گذاشته‌ایم و به قله‌ها نزدیکیم.» و پس از آیه «تَضَرَّ مِنَ اللَّهِ وَ فَتَحَ قَرِيبٌ» آیه «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحَ مُبِينًا» آوردند؛ چرا که پس از هزار و چهارصد سال، جمهوری اسلامی ایران پرچم دار آن آیینی‌ست که خداوند بر دوش نبی مکرم گذاشت و آن نهال مبارکی که به دستان پیامبر کاشته شد، اکنون در حال به ثمر رسیدن است و این چه فتح عظیمی است...

## فتح غریب



یادداشت



آینده در دستان هوش مصنوعی

۲

میز روایت

دولت مردمی در نیمه راه

۳ و ۴

کسب و کار من



نوآفرین شو

۵ و ۶

یادداشت

جهاد ادامه دارد..

۷ و ۸

معرفی کتاب

قاف





# آینده در دستان هوش مصنوعی

و الگوریتم‌ها گفته می‌شود که به کامپیوترها و سیستم‌های کامپیوتری اجازه می‌دهد تا با استفاده از داده‌ها و الگوریتم‌های خود، وظایف پیچیده را انجام داده و تصمیمات هوشمندانه بگیرند. هدف اصلی هوش مصنوعی این است که شباهت بین عملکرد سیستم‌های کامپیوتری و رفتار انسان را افزایش دهد.

به طور خلاصه، هوش مصنوعی به کامپیوتر چگونه فکر کردن، داشتن چشم انداز، گفتار دادن و حل مسائل را آموزش می‌دهد. البته هوش مصنوعی نسخه‌ای غیر زنده است. در حقیقت نرم‌افزاری از یک کامپیوتر است که بر اساس قوانین و الگوریتم‌هایی که برای آن تعریف شده عمل می‌کند. هوش مصنوعی در حال حاضر در بسیاری از زمینه‌ها مانند خودروهایی خودران، تشخیص چهره، پیش‌بینی آب و هوا و سیستم‌های پشتیبانی مشتریان استفاده می‌شود.

مثالی از هوش مصنوعی می‌تواند سیستم تشخیص چهره باشد. در این مثال، یک الگوریتم هوش مصنوعی طراحی شده است که قادر است چهره‌ها را تشخیص داده و شناسایی کند. این الگوریتم با استفاده از تکنولوژی‌های پردازش تصویر و یادگیری عمیق، قابلیت تحلیل و شناسایی وجود چهره در تصاویر را دارد. به طور مثال، فرض کنید که چندین عکس از افراد مختلف در دسترس دارید. با استفاده از الگوریتم هوش مصنوعی، سامانه قادر است به صورت خودکار و بدون نظارت، الگوهای خاص در هر چهره را شناسایی

کند؛ سپس بر روی نمونه‌ای از هر فرد، آن را به عنوان «الگو» به سامانه آموزش دهد. حالا سامانه می‌تواند با استفاده از این الگوها، در تصاویر جدید چهره‌ها را تشخیص داده و شناسایی کند. به عبارت دیگر، سامانه هوش مصنوعی قادر است برای هر تصویر جدید، بررسی کند که آیا چهره‌ای در آن وجود دارد و در صورت وجود، آن را با الگوهای ذخیره شده مقایسه کند تا فرد مورد نظر را شناسایی کند. با استفاده از این نمونه، می‌توان بهتر فهمید که هوش مصنوعی چگونه قادر است الگوریتم‌های پیچیده را به کار بگیرد و با استفاده از داده‌های آموزش دستکاری شده، بهبود پیدا کند.

این یادداشت صرفاً توضیحی کلی در رابطه با چیستی هوش مصنوعی بود و شاید جالب باشد اگر بدانید بخش گسترده‌ای از این متن با استفاده از هوش مصنوعی تولید شده است.

حتماً تا الان حداقل یک بار یکی از این موارد را شنیده‌اید. تبدیل صدای یک فرد به فرد دیگر با هوش مصنوعی، تبدیل یک تصویر به ویدیو با هوش مصنوعی و ... دیگر با هوش مصنوعی، تبدیل یک تصویر به ویدیو با هوش مصنوعی و ... هوش مصنوعی چیست و چه کاربردهایی دارد؟ هوش مصنوعی یک هوش به تقلید از هوش انسان است که با استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین، خود را آموزش می‌دهد. برای فهم ساده‌تر این مسئله به این مثال توجه کنید. به نظر شما انسان‌های اولیه چگونه توانستند به راه حل روشن کردن آتش دست پیدا کنند؟ پاسخ این سوال ساده است؛ آن‌ها سعی داشتند با برهم زدن و ترکیب هر ماده‌ای که در اطراف خود می‌دیدند و یا راهکارهای دیگر، به آتش برسند و سرانجام سنگی پیدا کردند که بتواند آتش ایجاد کند. این کار به چه صورت پیش رفت؟ آن‌ها با بررسی و

پردازش داده‌های مختلف موجود در اطرافشان، بدون آموزش مستقیم خارجی و صرفاً با تحلیل داده‌های موجود به این روش دست پیدا کردند. یادگیری ماشین نیز دقیقاً به همین صورت است. با در اختیار گذاشتن حجم بسیاری از داده در زمینه‌های مختلف مانند تصویر، صوت، ویدیو و ... و پردازش این داده‌ها توسط خود ماشین، می‌توانیم به یک هوش مصنوعی با کاربردهای مد نظر دست پیدا کنیم.

هوش مصنوعی به مجموعه‌ای از تکنیک‌ها



# دولت مردمی در نیمه راه

## بررسی عملکرد دوسال نخست دولت سیزدهم در حوزه های مختلف

### آموزش، تحقیقات و فناوری اطلاعات

#### نقاط قوت

اجرای طرح رتبه بندی معلمان با اختصاص ۳۸ هزار میلیارد تومان بودجه در سال ۱۴۰۱.

دو مرحله ای کردن کنکور سراسری و افزایش میزان تاثیر سوابق تحصیلی

پیوستن ایران به جمع ۱۰ کشور صاحب بزرگترین تلسکوپ های جهان.

پرتاب و قرارگیری موفقیت آمیز ماهواره خیام در مدار ۵۰۰ کیلومتری از زمین.

پرتاب موفقیت آمیز ماهواره نور ۲.

اتصال ۸۷ درصد دستگاه های مشمول به پنجره ملی خدمات دولت هوشمند.

#### نقاط ضعف

عدم شفافیت در صندوق ذخیره فرهنگیان

عدم تسریع در اجرایی سازی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

عدم اجرای اقدامات لازم جهت تحقق عدالت آموزشی

### اجتماعی، اقتصادی و معیشتی

#### نقاط قوت

افزایش حقوق: افزایش ۵۷ درصدی حقوق کارگران برای نخستین بار در سال ۱۴۰۱

بیمه: افزوده شدن ۲ میلیون نفر به بیمه پردازان صندوق های بازنشستگی در دولت سیزدهم.

افزایش ۱۱۰ میلیون تومانی وام ازدواج ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۰ و تسریع در پرداخت تسهیلات ازدواج

اعطای تسهیلات فرزندآوری (پرداخت وام فرزند آوری و اعطای زمین یا واحد مسکونی برای فرزند سوم و بیشتر) در راستای قانون جوانی جمعیت

تغییر نظام پرداخت یارانه ها

افزایش مرخصی زایمان از ۶ به ۹ ماه.

رشد اقتصادی ۴٫۸ درصدی در سال ۱۴۰۱

اصلاح سیاست تخصیص ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی

افزایش صادرات نفت از ۶۵۰ هزار بشکه در روز در ابتدای دولت سیزدهم تا نزدیک ۲ میلیون بشکه در روز در اردیبهشت ۱۴۰۲

افزایش صادرات غیر نفتی به بیشترین میزان در دهه های گذشته (۵۳ میلیارد دلار)

اصلاح اختصاص آرد و شفاف کردن سامانه توزیع آرد و نان و جلوگیری از قاچاق گسترده آرد

کاهش ضریب جینی (شاخص توزیع درآمد و شکاف طبقاتی) از ۰٫۴۰۰۶ در سال ۹۹ به ۰٫۳۸۳۱ در سال ۱۴۰۱

شناسایی و واگذاری اموال و دارایی های مازاد دولت، شرکت ها و بانک های دولتی

#### نقاط ضعف

افزایش نرخ دلار از ۲۵ هزار تومان در مرداد ۱۴۰۰ به ۴۹ هزار تومان در مرداد ۱۴۰۲

تداوم تورم ۴۰ درصدی و ادامه پیدا کردن روند کاهش قدرت خرید مردم

افزایش ۲۸۵ تا ۶۷۰ درصدی قیمت کالاهای اساسی

عدم نظارت بر بازار

عدم تناسب افزایش حداقل دستمزد با نرخ تورم در سال ۱۴۰۲

### بهداشت و درمان

#### نقاط قوت

استقرار نظام نسخه نویسی الکترونیکی و صرفه جویی ۲۰۰ میلیارد تومانی در چاپ دفترچه های بیمه با اجرای این طرح.

اجرای طرح دارویار و تخصیص یارانه دارو به مصرف کننده نهایی.

واکسیناسیون گسترده و تزریق بیش از ۱۵۰ میلیون دز واکسن کرونا و کاهش مرگ و میر ناشی از شیوع بیماری کرونا از روزی ۷۰۰ فوتی در آغاز دولت به صفر فوتی.

پوشش ۹۰ درصدی بیمه نابابروزی.

اجرای طرح پزشک خانواده

دستیابی دانشمندان ایرانی به ژن درمانی برای درمان سرطان خون.

بیمه سلامت برای ۱۲ میلیون نفر با اقدام وزارت بهداشت مبنی بر بیمه رایگان ۵ دهک اول جامعه

#### نقاط ضعف

کمبود دارو در پاییز ۱۴۰۱

اعطای مجوز خلاف قانون به مراکز عالی آموزشی علوم پزشکی

عدم اجرای مصوبه شورای عالی انقلاب مبنی بر افزایش ۲۰ درصدی ظرفیت پزشکی در مقطع عمومی برای جبران کمبود پزشک

### آب و انرژی

#### نقاط قوت

بهره برداری از طرح آبرسانی غدیر

طرح آبرسانی سنندج

آبرسانی و حل تنش آبی همدان

آغاز عملیات اجرایی خط دوم انتقال آب خلیج فارس به یزد و فلات مرکزی

آغاز اجرای طرح کلان انتقال آب از دریای عمان به استان های شرقی

توقف خاموشی ها و عبور از تابستان ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ بدون خاموشی

افزایش ۶ هزار واحدی ظرفیت تولید برق در سال نخست دولت

### سیاست خارجی

#### نقاط قوت

سفر رئیس جمهور به تاجیکستان و عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای.

سفر رئیس جمهور به ترکمنستان و شرکت در اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (ا.ک.و).

سفر رئیس جمهور به کشورهای ترکمنستان، تاجیکستان، روسیه، قطر، عمان در راستای بهبود ارتباط با کشورهای همسایه و منطقه مذاکره و توافق با عربستان در راستای سیاست تنش زدایی با همسایگان

سفر رئیس جمهور به قطر و شرکت در اجلاس اوپک گازی.

سفر رئیس جمهور به ترکمنستان و شرکت در اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر.

حضور و سخنرانی رئیس جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

سخنرانی ویدئوکنفرانسی رئیس جمهور در نشست غیر حضوری سران گروه بریکس پلاس به رهبری چین.

امضای سند همکاری های جامع راهبردی ۲۰ ساله ایران و ونزوتلا.

تکمیل و راه اندازی کریدور ترانزیتی بین المللی شمال-جنوب از هند تا روسیه پس از ۲۲ سال.

وصول طلب ۵۳۰ میلیون دلاری ایران از انگلیس.

#### نقاط ضعف

عدم تاثیرگذاری ملموس دیپلماسی بر اقتصاد کشور و فقدان توسعه مناسبات تجاری با همسایگان



#### نقاط ضعف

بحران گاز زمستان ۱۴۰۱

بحران ناترازی برق با اعمال خاموشی در بخش صنعت و وارد شدن خسارت به فعالیت صنایع

ضعف در اخذ حقایق ایران از رودخانه هیرمند





@mottahare\_salehi

# نوآفرین شو

**۹۹** در بخش ویژه نوآفرین شو هر شماره با یک دانشجوی کارآفرین صاحب کسب و کارهای دانشجویی آشنا شوید. در این شماره نوآفرین شو، داستان کسب و کار مطهره محمد صالحی را از زبان خودش بخوانید.

● خودتان را معرفی کنید.

من مطهره محمد صالحی هستم؛ دانشجوی ترم چهار رشته طراحی پوشاک دانشکده شریعتی.

● کجای زندگی می‌کنید؟

من متولد تهران هستم و در تهران زندگی می‌کنم.

● از کسب و کارتان بگویید.

مسیر راه‌اندازی کسب و کارم از سن ۱۶-۱۷ سالگی شروع شد. دوست داشتم مستقل بشوم و مستقل بودن برای یک خانم را بسیار ارزشمند و باعث افزایش اعتماد به نفس می‌دانستم. از طرف دیگر همیشه علاقه داشتم که مدیر یک کسب و کار باشم و می‌دانستم که اعتماد به نفس و حس خوبی برایم به وجود می‌آورد. به همین خاطر سعی کردم مسیری را طوری انتخاب کنم که بتوانم این حس خوب را تجربه کنم. قبل از اینکه وارد هنرستان بشوم و رشته طراحی دوخت را انتخاب کنم و با این هنر آشنا شوم، از طریق یکی از آشناها پوشاک و البسه زنانه را به دست مشتری می‌رساندم و از این طریق در همان سن، درآمدی کسب می‌کردم. بعد از اینکه وارد رشته طراحی دوخت شدم، متوجه شدم که این حرفه بازار کار خیلی خوبی دارد. آن زمان با یکی از دوستان یک صفحه مجازی آموزش خیاطی داشتیم که آموزش الگو از طرف من بود و آموزش دوخت از طرف ایشان و چند هنرجو داشتیم؛ اما کرونا و موضوعات دیگری پیش آمد که باعث شد این کار متوقف شود.

در هنرستان درسی داشتیم به نام نوآوری. در این درس هنرهای مختلف مثل هنر نقاشی روی پارچه، تلفیق آن با گلدوزی، جواهر دوزی و... به ما آموزش داده شد. همانجا با هنر نقاشی روی پارچه آشنا شدم و چند دیوارکوب کار کردم که دیوارکوب برتر هنرستان شد.

سیس تصمیم گرفتم با یکی از آشناها که کار چرم انجام می‌داد و کیف‌های چرمی تولید می‌کرد همکاری کنم و نقاشی روی پارچه بکشم

و بعد در نمایشگاه‌هایی که در هنرستان برگزار می‌شد به فروش برسانم و از این طریق کسب و کاری داشته باشم؛ اما بعد از اینکه کیف‌ها آماده شد، مدرسه‌ها و هنرستان غیر حضوری شد این کسب و کار هم به مشکل خورد.

● چه شد که تصمیم گرفتید کسب و کار خودتان داشته باشید؟

از همان سن ۱۶-۱۷ سالگی که اولین درآمد را داشتم این تصمیم را گرفتم. البته کار از طریق اینستاگرام نبود و در تلگرام پوشاک را به فروش می‌رساندم.

بعد از اینکه کسب و کار کیف‌های چرمی هم به مشکل خورد، در فضای مجازی آموزش گلدوزی را دیدم و خیلی خوشم آمد. در بسترهای مختلف پیگیری و جستجو کردم و چون آموزش مختصری هم در هنرستان دیده بودم احساس کردم که می‌توانم این کار را انجام بدهم و آن را به عنوان یک کسب و کار ببینم. خرداد سال ۱۴۰۰ تصمیم گرفتم که صفحه کاری خودم را در اینستاگرام داشته باشم. شروع گلدوزی نقطه عطف زندگی من بود. هر روز مهارتم را افزایش می‌دادم و سعی می‌کردم از اساتید حرفه‌ای آموزش‌های مختلف ببینم و تمام مهارت‌هایی که به رشد کسب و کارم کمک می‌کند را یاد بگیرم. بعد از چند ماه اولین دوره آموزش گلدوزی را گذاشتم و تعدادی هنرجو ثبت نام کردند. البته کسب و کار مجازی مثل یک سرمایه‌گذاری است؛ اوایل کار بازدهی خیلی بالایی ندارد و کم کم رشد می‌کند. یادم است که ماهی یک هنرجو داشتم و دو ماه بعد سه هنرجو و یک ماه بعدش ده هنرجو. کم کم که تعداد بازدیدها و دنبال کننده‌ها افزایش پیدا کرد، درآمد هم بیشتر شد تا جایی که ۲۰، ۳۰ و حتی ۵۰ هنرجو در ماه داشتم.

هر چه به مرور تعداد هنر جوها بیشتر می‌شود، طبیعتاً مسئولیت من هم برای اداره کار و رفع اشکال بیشتر می‌شود. به همین خاطر الان با چند تا از همین هنر جوها همکاری می‌کنم و مجموعه‌مان در حال گسترش است.

نام تجاری کسب و کارتان چیست؟

● کسب و کار مجازی من با اسم خودم یعنی مطهره صالحی فعالیت می‌کند. زمینه فعالیت ما آموزش هنر گلدوزی و هنر نقاشی روی پارچه است که بخش زیادی از درآمدمان مربوط به فروش دوره‌های آموزش این دو هنر است و بخش کوچکی هم مربوط به فروش پک وسایل گلدوزی و نقاشی روی پارچه.

● مخاطبین شما چه کسانی هستند؟

هنرجوهای ما دو گروه هستند. اکثر هنرجوها خانم‌هایی هستند که می‌خواهند مستقل باشند. چون بازار کار گلدوزی و نقاشی روی پارچه خیلی بزرگ است و ایده‌های زیادی برای درآمدزایی در این دو حوزه وجود دارد. به همین علت خانم‌های خانه‌دار و دختر خانم‌هایی که می‌خواهند مستقل باشند و درآمد کسب کنند، آموزش می‌بینند و سپس وارد بازار کار می‌شوند. گروه دیگر مخاطب‌های من خانم‌هایی هستند که برای سرگرمی این هنر را دنبال می‌کنند و می‌خواهند از حال خوب و حس خوب وسایل و رنگ‌هایی که در کار استفاده می‌کنیم لذت ببرند و به خاطر تقویت روحیه و سرگرمی شرکت می‌کنند.

● آیا در مسیر کسب و کارتان با چالش و مشکل مواجه شدید؟ چطور این مشکلات را پشت سر گذاشتید؟

سوال خوبی پرسیدید. من در اوایل شروع کارم یک ورکشاپ حضوری آموزش گلدوزی برگزار کردم که برنامه‌ریزی زیادی برای آن کرده بودم و در خصوص مواردی که قرار بود آموزش بدهم، نحوه برگزاری و تبلیغاتش تمام تلاشم را کرده بودم؛ اما از بین ۲۰ نفر ظرفیتی که این ورکشاپ داشت تنها ۳-۲ نفر ثبت‌نام کردند و من چند روز از این موضوع ناراحت بودم. وقتی که این اتفاق افتاد می‌توانستم مثل خیلی از افراد ناامید بشوم و فکر کنم که این مسیر درستی نیست و باید آن را کنار بگذارم؛ ولی من ایرادهای کارم را بررسی و برطرف کردم. به این ترتیب در ورکشاپ بعد،



از ۱۰ نفر ظرفیتی که داشتیم ۱۵ نفر ثبت نام کردند و حتی ظرفیت کم آوردیم.

من در این کسب و کار با مشکلات زیادی روبه‌رو شدم و اگر فرد ضعیفی بودم خیلی قبل‌تر از این، کسب و کارم را رها می‌کردم. چیزی که باعث شد ادامه بدهم حس ارزشمند اعتماد به نفس و مستقل شدن بود. اینکه برای رسیدن به اهدافم و برای داشتن بهترین‌ها، چشمم به دست کسی نباشد و برای درخواست‌های مالی، انتظاری از پدر و مادرم نداشته باشم. دلیل دیگر هم این بود که بتوانم به قول معروف دست خدا باشم برای کمک‌بنده‌هایم.

● تمام این چالش‌هایی که اشاره کردم در ابتدا باعث می‌شد انرژی‌ام کمی افت کند ولی چیزی که در زندگی من اولویت دارد پشتکار است. خدارا شکر پشتکار خیلی خوبی دارم؛ شاید در یک بازه زمانی کوتاه از چیزی ناامید و ناراحت بشوم و حتی پیش آمده که گریه کنم؛ ولی هیچ وقت بعد از این حال بد، کارم را رها نکردم بلکه قدرتمندتر و با اصلاح اشتباهات قبلی دوباره شروع کردم.

● برنامه‌ریزی چه تاثیری در موفقیت شما داشته؟

تا چند سال پیش وقتی راجع به برنامه‌ریزی چیزی می‌شنیدم به نظرم مسخره و خنده‌دار می‌آمد و جدی نمی‌گرفتم. تا اینکه تصمیم گرفتم بعضی از عاداتم را تغییر بدهم. یکی از این عادت‌ها برنامه‌ریزی کردن بود. شروع کردم به برنامه‌ریزی به طوری که هر شب قبل از خواب برنامه روز بعد را و ترتیب قرارگیری کارهایی که در طول روز قرار است انجام بدهم را می‌نوشتم و الان ۲-۳ سال است که این کار را انجام می‌دهم. همچنین به شدت روی این موضوع که وقتم تلف شود حساس هستم. برنامه‌ریزی باعث شده که حتی از کوچکترین ثانیه‌ها نیز به نحو احسن استفاده کنم و روزم هدفمند بگذرد. اگر در این چند سال برنامه‌ریزی نداشتم الان به جایی که می‌خواستم نرسیده بودم.

● چه برنامه‌ای برای آینده کسب و کارتان دارید؟

همانطور که گفتم این دو هنری که آموزش می‌دهم بازار کار خوبی دارد و ان‌شاءالله قرار است بستر مناسبی برای کسب و کار هنرجوها ایجاد کنم. همچنین قصد دارم کسب و کار خودم را گسترش بدهم و تعداد هنرجوها را افزایش بدهم تا بتوانم به خانم‌های بیشتری این هنر درآمدزا را آموزش بدهم و آموزشگاهی داشته باشم که بتوانم به صورت حضوری خانم‌ها و دخترهای موفق را ببینم و بستری مناسب برای شروع کسب و کارشان فراهم کنم.

● در آخر اگر صحبتی با خوانندگان این مصاحبه دارید بفرمایید.

چیزی که برای مستقل شدن، نوآر شدن و داشتن یک کسب و کار خیلی اهمیت دارد در ابتدا امید و ایمان به خداست و بعد داشتن پشتکار و اینکه اگر هدفی برایتان اهمیت دارد از آن دست نکشید و تا حد امکان برای آن تلاش کنید. در این صورت به اهدافتان خواهید رسید.



# جهاد ادامه دارد..

## ۹۹ ب بسم الله جهادی

با چند نفر از اعضا به قصد شناسایی و بازدید از منطقه راهی سفر شدیم. در بازه زمانی حضورمان، از چندین روستا بازدید کردیم. تلاش می کردیم از زوایای مختلف اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و... روستاها را بررسی کنیم تا با نقاط قوت، ضعف، ظرفیت‌های موجود و نیازمندی‌ها آشنایی کامل پیدا کنیم

از صبح که بازدید را شروع کردیم، نزدیک پنج یا شش روستا بررسی شد. در انتهای روز به روستایی رسیدیم که تا آن زمان فعالیت جهادی زیادی در آن صورت نگرفته بود و با توجه به برخی اطلاعات به دست آمده، به نظر می‌سید برای فعالیت ما مناسب باشد.

زمانی که ماشین توقف کرد، در چشم به هم زدن بچه‌های روستا دورمان حلقه زدند و اهالی برای خوش آمدگویی آمدند. این استقبال دلچسب زبانم را بند آورد و نتوانستم صحبت کنم؛ تنها لبخند می‌زدم و تشکر می‌کردم. بچه‌ها بی‌وقفه سوال می‌پرسیدند؛ اینکه چند نفر هستیم و قرار است چه کار کنیم. پر تکرارترین سوالشان این بود که کی می‌آییم؛ انگار

حتی نمی‌توانستند لحظه‌ای برای شروع کلاس‌ها صبر کنند. ذوقی که در دل‌مان نشاندهند، خستگی انتهای روز را از تن‌مان بیرون کرد. در حالی که مهرشان سخت نمک‌گیرمان کرده بود و نمی‌توانستیم دل‌بکنیم، با انرژی صدچندان خداحافظی کردیم و سوار ماشین شدیم که به اسکان برگردیم.

این اتفاقات و آن استقبال گرم، شک‌مان را به یقین بدل کرد و باعث شد این روستا را برای شروع



درست در شرایطی که انتظار نمی‌رفت منطقه‌ای مناسب فعالیت‌مان به ما معرفی شود، مسیرمان به استان لرستان و شهرستان چگنی افتاد. هنگامی که اطلاعات منطقه به دستمان رسید، وجود چند مسئله حائز اهمیت در منطقه، ما را مشتاق و امیدوار به فعالیت در این روستا کرد. از همین جهت بررسی این منطقه حتی در همان بازه زمانی فشرده، برایمان خالی از لطف نبود.

از بابت حضور چندین و چند ساله نیروهای جهادی و فعالیت مستمرشان در این منطقه، ارتباط نزدیکی با روستاییان حاصل شده بود که به واسطه آن، گروه ما برای شناسایی به اطلاعات مفیدی از منطقه دسترسی داشت. از جهتی دیگر، زمینه فعالیت جهادگران و بستری که این سال‌ها در این شهرستان فراهم کرده بودند، با توانایی گروه جهادی ما، نزدیکی بسیار زیادی داشت. بستری برای فعالیت، آن هم درست در راستای توانایی گروه جهادی و دانشگاه ما، این ایده را که بتوانیم از ظرفیت‌های موجود در سطح دانشگاه برای احیای اهداف گروه بهره ببریم، به درست‌ترین شکل ممکن محقق می‌کرد و دقیقاً همان چیزی بود که ما از یک مسیر با هدف و روش درست، متصور بودیم.



این دلایل سبب شد اطمینان‌خاطری پیدا کنیم که فعالیت مستمرمان در این روستا، اهداف و آمال گروه جهادی را در درازمدت، به حقیقت بدل کند.

اصرارمان بر این موضوع، سبب شد شرایط فراهم شود و خدا راه را برایمان هموار کند.

در یک برنامه‌ریزی فوری، همراه

## قاف



آنکه مرا گفت: «یا حبیب من، هفت کرامت به جای تو و جای امت تو بگردم که هرگز به جای هیچ پیغامبری نکردم؛ یکی آنکه هر پیغامبری که آفریدم او را ماندنی آفریدم؛ تو را که آفریدم، بی نظیر آفریدم. دیگر آنکه همه رسولان را از وقت آدم تا به روزگار تو مشتاق دیدار تو داشتم تا امشب که تو را بدیدند. سه دیگر آنکه امت تو را قوت بسیار ندادم تا دعوی خدایی نکنند چون دیگر امتان. چهارم آنکه امت تو را مال بسیار ندادم تا شمار ایشان دراز نباشد در قیامت. پنجم آنکه ایشان را عمرهای دراز ندادم تا گناهان ایشان بسیار نبود. ششم آنکه در توبه بر ایشان گشاده دارم تا آن وقت که جان ایشان به غرغره رسد. هفتم آنکه ایشان را آخر همه امتان کردم تا بودن ایشان در گور دراز نباشد تا به قیامت.»

روایتی که خواندید بریده کوچکی بود از کتاب «قاف» اثر یاسین حجازی.

حجازی این کتاب را با بازخوانی سه کتاب کهن فارسی و پراسته است. این سه کتاب، روایتگر زندگی پیامبر اسلام، محمد(ص) است.

قاف داستان عشق است؛ داستان پیامبری که عشق او در دل پیروانش ریشه دواند؛ با روایتی به رنگ و بوی روایت‌های کهن. هر صفحه از کتاب قاف را که ورق می‌زنید، روایتی چند از زندگانی «او» را می‌خوانید؛ «او» که آخرین فرستاده خدای عزوجل است و هر قدر صفحات را می‌گذرانید و کلمات را بر جان می‌نشانید، یاد او و محبتش بیشتر در دل می‌نشیند. خواندن قاف، مدت زیادی شما را همراه و هم‌قدم سرگذشت «او» خواهد کرد.

حجازی می‌گوید: «خواهید کتاب زود تمام شود. اصلاً هیچ قیدی برای آنکه در فلان تاریخ یا طی بهمان مدت تمامش کنید برای خودتان نگذارید. لخت لخت ورقش بزنید و هر شب چند سطر بخوانید.»

فعالیت‌مان انتخاب کنیم. باید در سریع‌ترین زمان ممکن برنامه‌ریزی‌ها را برای سفر پیش‌رو شروع می‌کردیم. نگاه امیدوار بچه‌ها ما را مصمم کرده بود و ذره‌ای شک در دل‌مان باقی نگذاشته بود که باید همه توان‌مان را در این مسیر به کار بگیریم. کار گروه‌ها تشکیل شد و اطلاعات و برنامه‌های مدنظرمان به جهادگران منتقل شد. روز نوزدهم مرداد از تهران به مقصد لرستان، شهرستان چگنی حرکت کردیم و جمعه بیستم مرداد در منطقه حاضر شدیم. با دعوت از روستاییان کارمان را در منطقه شروع کردیم. محیطی که برای برگزاری کلاس‌ها داشتیم، به یک مدرسه با دو اتاق و یک کانکس خلاصه می‌شد. البته به تازگی مدرسه جدیدی در نزدیکی این مدرسه ساخته شده بود اما هنوز آماده بهره‌برداری نبود. به خاطر محیط نسبتاً کوچکی که داشتیم، برنامه‌ریزی کلاس‌ها و محتواها به گونه‌ای تنظیم شد که بتوانیم بیشترین بازدهی را از فضا دریافت کنیم؛ برخی کلاس‌ها صبح و برخی کلاس‌ها بعد از ظهر برگزار می‌شد. اولین قدم اساسی ایجاد یک بستر برای مشارکت و درگیر کردن روستاییان و بچه‌ها در فعالیت‌های جهادی بود. این امر در قالب تمیز کردن محیط مدرسه، با هدف تقویت نگاه دغدغه‌مند روستاییان نسبت به محیط زندگی و افزایش حس مسئولیت‌پذیری آنها عملی شد.

در قدم بعدی، یکی از چالش‌هایمان بررسی دلایل عدم حضور بخش زیادی از مردم روستا در کلاس‌ها بود. با پرس‌وجو و بررسی چند فرضیه، به این نتیجه رسیدیم که اغلب به دلیل وجود برخی مشکلات معیشتی، زمانی برای حضور در برنامه‌های ما نداشتند؛ بر همین اساس فراهم کردن بستری برای ایجاد شناخت در مردم روستا نسبت به اهداف گروه ما و پذیرش ما در میان جمع آن‌ها و ایجاد حس نیاز برای شرکت در کلاس‌ها، به عنوان مهم‌ترین قدم‌ها تعریف شد.

با مشورت و سنجیدن شرایط گروه و روستا، مجبور شدیم تغییراتی را در اساس برنامه‌ریزی‌ها، مباحث آموزشی، محتوا و حتی شیوه برخوردمان اعمال کنیم. طی چند قدم توانستیم تا جایی که در این بازه زمانی کوتاه میسر بود، به بخشی از این اهداف دست پیدا کنیم.

استقبال مردم روستا از کلاس‌ها روز به روز بیشتر می‌شد. شوق و ذوقی که برای حضور در کلاس‌ها داشتند و درخواست برای برگزاری کلاس‌های بیشتر و طعم شیرینی که به واسطه همین آموزش‌ها و مهارت‌های به ظاهر ناچیز چشیده بودند، تا حد زیادی همان نتیجه‌ای بود که ما انتظارش را می‌کشیدیم. درک ارزشمند بودن محتوای ارائه شده و احساس نیاز نسبت به کسب مهارت‌های بیشتر، نمونه‌ای از ثمرات این تغییرات بود. در روزهای پایانی، وقتی کارهایی که روز اول تنها از سر سرگرمی آغاز کرده بودند و در ادامه پیگیر و مشتاقانه به نتیجه رسانده بودند را در دست گرفتیم، مهر تاییدی بر بخشی از اهدافمان خورد. ثمر بخشی در این فرصت چند روزه و رسیدن به این مرحله از توانایی، برای ما بی‌نهایت رضایت بخش بود. این نتیجه خوب، در کنار مطالبه و درخواست‌ها برای برگزاری زودتر اردوهای بعدی نشان دهنده این بود که راه را درست رفته‌ایم و فعالیت‌مان باب میل و مناسب نیاز واقع شده است. این حس رضایت و ارتباطی که با مردم روستا برقرار

کرده بودیم، برای بازه کوتاه حضورمان در منطقه قابل توجه محسوب می‌شد. ادامه این راه، رساندن بانوان روستا به مرحله‌ای از توانمندی است که بتوانند از مهارت‌هایی که کسب می‌کنند به کار آفرینی و اشتغال برسند.

نویسنده خط‌کش باشید!  
اگر دوست دارید در نوشتن مطالب، تهیه و طراحی نشریه خط‌کش با ما همکاری کنید به نشانی @ngar\_omd در تلگرام پیام بدید.

نشانی ما در شبکه‌های اجتماعی:  
@basiz\_uni\_shariaty  
صفحه اینستاگرام:  
@bsj\_shariaty

